

مدیریت سود در شرکت‌های بورسی و شرکت‌های غیر بورسی تابعه آنها

فخرالدین محمدرضائی*، سیده لیلا احمدی**

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۰

چکیده

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که سود گزارش شده با کیفیت پائین، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران است. شواهد نظری و تجربی موجود بیانگر آن است که انگیزه‌های مدیریت شرکت در ارتباط با دستکاری سود در یک شرکت بورسی و غیر بورسی می‌تواند متفاوت باشد. دو نظریه متضاد در این رابطه وجود دارد. نظریه "تقاضا" پیش‌بینی می‌کند که کیفیت سود شرکت‌های بورسی بالاتر باشد، اما پیش‌بینی نظریه "رفتار فرصت طلبانه" برعکس نظریه تقاضاست. در نبود شواهد تجربی کافی در این زمینه و فرصتی که افشای صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های غیر بورسی تابعه شرکت‌های بورسی در سایت کدال ایجاد کرده است؛ پژوهش حاضر تفاوت احتمالی مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیر بورسی تابعه آنها طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ را آزمون می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بین نوع شرکت (غیر بورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری (بر اساس هر سه مدل به کار رفته) و جهت مدیریت سود (رو به بالا) رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش می‌تواند بیانگر آن باشد که به این دلیل که صورت‌های مالی شرکت‌های غیر بورسی تابعه شرکت‌های بورسی در سایت کدال در دسترس همگان قرار می‌گیرد، انگیزه‌های حسابرسان و مدیران این شرکت‌ها همانند شرکت‌های بورسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌های غیر

بورسی تابعه شرکت‌های بورسی

طبقه‌بندی موضوعی: M41, C32

DOI: 10.22051/jera.2018.16827.1750

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (f.mrezaei@khu.ac.ir)
** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (Leila.ahmadi79@yahoo.com)

مقدمه

کیفیت اطلاعات مالی بسیار مهم است؛ چرا که سرمایه‌گذاران براساس اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده، تصمیم‌گیری می‌کنند. سود مهم‌ترین محصول سیستم حسابداری می‌باشد که هدف اصلی آن فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توانایی پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی است (جایو، ۲۰۱۰). اما سود در سیستم تعهدی و تحت تأثیر رویه‌های حسابداری که مدیریت انتخاب می‌نماید، محاسبه می‌گردد. در این راستا، یافته‌های میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که اطلاعات مالی غیرشفاف و دستکاری شده به همراه تأخیر در افشا اطلاعات مالی، از نگرانی‌های اصلی فعالان بازار سرمایه در کشور است.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت سود نشان می‌دهد که عوامل بسیاری (مانند عوامل مرتبط با شرکت و حسابرسی) بر کیفیت سود شرکت‌ها تأثیر گذار است. به‌طور مثال، انگیزه‌های مدیریت در ارتباط با کیفیت سود در یک شرکت بورسی و غیربورسی می‌تواند متفاوت باشد (گیولی و همکاران، ۲۰۱۰). به‌طور خلاصه، به‌دلیل در دسترس نبودن اطلاعات شرکت‌های غیربورسی، شواهد تجربی بسیار کمی در مورد کیفیت گزارشگری شرکت‌های غیربورسی در مقایسه با شرکت‌های بورسی وجود دارد و این نتایج هم متناقض بوده و قابلیت تعمیم ضعیفی به فضای کسب و کار و اقتصاد ایران دارند. به‌طور مثال دو پژوهش مهم انجام شده در آمریکا، نتایج متناقضی را گزارش کرده‌اند. نتایج پژوهش گیولی و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که براساس نظریه "رفتار فرصت طلبانه"، کیفیت سود شرکت‌های بورسی پایین‌تر از شرکت‌های غیربورسی است. اما نتایج پژوهش هوپ و همکاران (۲۰۱۳) در آمریکا، نشان می‌دهد که براساس نظریه "تقاضا"، کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی بیشتر از شرکت‌های غیربورسی است.

علی‌رغم این که افشای صورت‌های مالی شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی در سایت کدال از سال ۱۳۹۰ صورت می‌گیرد، هیچ شواهد تجربی در مورد تفاوت‌های این نوع شرکت‌ها از نظر کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد. بنابراین هدف پژوهش حاضر عبارت است از آزمون تفاوت احتمالی مدیریت سود (مقدار و نوع) بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیربورسی تابعه آنهاست.

به منظور نیل به هدف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش با در نظر گرفتن دو نظریه متضاد (نظریه تقاضا و رفتار فرصت طلبانه) تدوین شده‌اند. گیولی و همکاران (۲۰۱۰) دو نظریه متضاد تقاضا و رفتار فرصت طلبانه را برای مطالعه کیفیت سود شرکت‌های بورسی و غیربورسی مطرح کرده‌اند. نظریه تقاضا بیان می‌کند که کیفیت سود شرکت‌های بورسی بالاتر از شرکت‌های غیربورسی است، زیرا تقاضای قابل ملاحظه‌ای از طرف سهامداران، اعتبار دهندگان و فعالان بازار سرمایه برای ارائه اطلاعات مالی با کیفیت توسط شرکت‌های بورسی وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران شرکت‌های بورسی تحت فشار همیشگی از جانب سرمایه‌گذاران و سهامداران برای کسب سطح معینی از سود و هم‌چنین گزارشگری مالی با کیفیت بالا هستند. اما نظریه رفتار فرصت طلبانه بیان می‌کند که مدیران شرکت‌های بورسی به دلیل منافع شخصی ناشی از افزایش قیمت سهام و پاداش‌های مبتنی بر قیمت سهام، تمایل زیادی برای مدیریت سود شرکت‌های خود در مقایسه با مدیران شرکت‌های غیربورسی دارند. بنابراین، فرضیه‌های این پژوهش نیز، به دلیل متناقض بودن شواهد نظری و تجربی موجود، بدون جهت تدوین شده‌اند.

پژوهش حاضر می‌تواند از طرق مختلف موجب بسط متون حسابداری شود. مرور پیشینه پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات شرکت غیربورسی، به موضوع کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها کم‌تر پرداخته شده است. هم‌چنین، بین نتایج پژوهش‌های قبلی (مانند، گیولی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هوپ و همکاران، ۲۰۱۳) در این حوزه تناقض وجود دارد. به علاوه، اکثر این پژوهش‌ها در کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا (گیولی و همکاران، ۲۰۱۰) و بریتانیا (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵) انجام شده است، و تفاوت احتمالی کیفیت گزارشگری مالی بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی در اقتصادهای نوظهور مشخص و شفاف نیست. فضای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قانون‌گذاری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (کارامپنیس و هواس، ۲۰۱۱)، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند. به طور مثال، در بازار سرمایه ایران با کارایی ضعیف، سهامدار عمده رابطه نزدیکی با شرکت دارد (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۲)، ممکن است فرضیه تقاضا قابلیت توضیح دهندگی پایینی داشته باشد. هم‌چنین، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هیچ پژوهشی در مورد کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های غیربورسی در ایران وجود ندارد. لذا، پژوهش حاضر نه تنها می‌تواند خلأ موجود در متون حسابداری داخلی در ارتباط با کیفیت گزارشگری

مالی شرکت‌های غیربورسی در مقایسه با شرکت‌های بورسی را مرتفع نماید، بلکه می‌تواند شواهد بدیلی از کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی در یک اقتصاد نوظهور، برای متون حسابداری در سطح بین‌المللی فراهم نماید.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش بطور اجمالی مرور و فرضیه‌های پژوهش تدوین شده است. آنگاه روش پژوهش شامل: گردآوری داده‌ها و مدل پژوهش ارائه شده است. سپس، یافته‌های تحقیق شامل آمار توصیفی، نتایج آزمون فرضیه‌ها و نتایج آزمون کنترل درون‌زا بودن متغیر مستقل اصلی ارائه شده است. بخش‌هایی نیز به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

مبانی نظری، پیشینه پژوهش و تدوین فرضیه

همان‌طوری که قبلاً ذکر شد، پژوهش‌های پیشین به منظور بررسی تفاوت احتمالی کیفیت سود بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی از دو نظریه متضاد (نظریه تقاضا و نظریه رفتار فرصت طلبانه) استفاده کرده‌اند. هم‌چنین شواهد تجربی ناچیز و متناقضی در این رابطه وجود دارد. در ادامه شواهد نظری و تجربی موجود مرتبط با دو نظریه مذکور ارائه شده و نهایتاً فرضیه‌های پژوهش تدوین شده‌اند.

نظریه تقاضا

تفکیک مدیریت از مالکیت در شرکت‌های بورسی نسبت به شرکت‌های غیربورسی بیشتر نمود دارد. چنین تفکیکی، به دلیل تفاوت در اهداف و منافع مالکان و مدیران، موجب ایجاد تضاد منافع بین آن‌ها می‌شود. مدیران برای دست یافتن به منافع شخصی خود، از ابزار عدم تقارن اطلاعاتی بهره می‌برند. به عبارت دیگر، یکی دیگر از پیامدهای تفکیک مالکیت از مدیریت، ظهور عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان است. زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاست، مالکان تقاضای جدی برای ارائه گزارشات مالی با کیفیت دارند. بنابراین، میزان عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر تقاضای اطلاعات مالی با کیفیت است (گیولی و همکاران، ۲۰۱۰).

با توجه به ساختار مالکیت متفاوت شرکت‌های بورسی و غیربورسی، به احتمال زیاد عدم تقارن اطلاعاتی بین این دو نوع شرکت و نهایتاً سطح تقاضا برای گزارشگری مالی با کیفیت،

یکسان نیست. در شرکت‌های بورسی، تمرکز مالکیت پایین است و سهام شرکت بین تعداد زیادی از سهامداران خرد پخش شده است. این ویژگی مالکیت گسترده در شرکت‌های بورسی، باعث ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی و منجر به تقاضای بیشتر برای اطلاعات مالی با کیفیت از سوی سهامداران می‌گردد. بنابراین مدیران شرکت‌های بورسی برای گزارشگری مالی با کیفیت تلاش می‌کنند. در مقابل، برای شرکت‌های غیربورسی، تقاضا برای گزارشگری مالی کمتر مشهود است؛ زیرا سرمایه‌داران بزرگ در شرکت‌های غیر بورسی خود اغلب دسترسی به اطلاعات شرکت داشته و معمولاً نقش فعال‌تری در مدیریت شرکت دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۲). این روابط نزدیک در شرکت‌های غیربورسی، تقاضا برای اطلاعاتی که از طریق کانال‌های عمومی مانند صورت‌های مالی منتشر می‌شوند را کاهش می‌دهد. در نتیجه صورت‌های مالی شرکت‌های غیربورسی اغلب برای رفع نیازهای اطلاعاتی تامین کنندگان سرمایه، سهامداران و... توزیع نمی‌شود (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ بورگاستلر و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین براساس فرضیه تقاضا کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی بالاتر از شرکت‌های غیربورسی می‌باشد.

در ادامه شواهد تجربی که از نظریه تقاضا پشتیبانی می‌کنند به‌طور خلاصه مرور می‌شوند. بال و شیواکومار (۲۰۰۵) کیفیت سود در شرکت‌های غیربورسی انگلستان را مورد بررسی قرار دادند. علی‌رغم این که قوانین مالیاتی، استانداردهای حسابداری و حسابداری برای شرکت‌های بورسی و غیربورسی بریتانیا یکسان است؛ آن‌ها دریافتند که کیفیت سود به میزان قابل توجهی در شرکت‌های غیربورسی کمتر از شرکت‌های بورسی است. در این راستا، بورگاستلر و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی نمونه‌های زیادی از شرکت‌های غیربورسی و بورسی از ۱۳ کشور اروپایی، دریافتند که مدیریت سود در شرکت‌های غیربورسی فراگیرتر از شرکت‌های بورسی است. پژوهش هوپ و همکاران (۲۰۱۳) یکی از اولین پژوهش‌هایی بود که در مقیاس بزرگ در ایالات متحده آمریکا انجام شد و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های غیربورسی ایالات متحده آمریکا را روشن نمود. نتایج نشان داد که در مقایسه با شرکت‌های بورسی، کیفیت گزارشگری مالی پایین‌تری دارند.

هرچند در ایران پژوهش‌های زیادی در ارتباط با مدیریت سود شرکت‌های بورسی انجام شده است، ولی پژوهشی که تفاوت مدیریت سود بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی را آزمون کرده باشد، وجود ندارد. به‌طور مثال، پژوهش محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴)

نشان می‌دهد که میانگین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در ایران ۸ درصد می‌باشد که با آماره‌های توصیفی (۷ درصد میانگین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری) پژوهش زگال و همکاران (۲۰۱۱) در فرانسه براساس مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. چنین یافته‌ای نشان دهنده آن است که مدیریت سود در ایران از لحاظ مقداری، قابل قیاس با سایر کشورهای است. به عنوان شواهد دیگر، یافته‌های حساس یگانه (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی (مانند، استقلال هیات مدیره و وجود حسابرسی داخلی) منجر به کاهش مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

به‌طور کلی، نظریه تقاضا و شواهد تجربی خارجی مرور شده نشان داد که دستکاری سود در شرکت‌های بورسی پایین‌تر از شرکت‌های غیربورسی است، چرا که مدیران شرکت‌های بورسی تحت تأثیر تقاضا برای گزارشگری مالی با کیفیت و نظارت نهادهای ناظر بازار قرار دارند.

نظریه رفتار فرصت طلبانه

بر اساس نظریه رفتار فرصت طلبانه مدیران شرکت‌های بورسی تحت فشار مستمر سرمایه‌گذاران برای دستیابی به عملکردهای خاص و نیز حفظ منافع خود می‌باشند و به همین علت در فرآیند محاسبه سود مداخله کرده و آن را دستکاری می‌کنند. مدیریت سود یک رفتار فرصت طلبانه از جانب مدیریت برای دستیابی به اهداف خاص می‌باشد. به عبارت دیگر، براساس فرضیه رفتار فرصت طلبانه مدیران شرکت‌های بورسی در معرض فشارهای بازار سرمایه هستند که این امر منجر به انگیزه بیشتر آن‌ها برای دستکاری اقلام تعهدی جهت دست‌یابی به سود مورد نظر می‌شود (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵).

غالباً بخشی از ثروت شخصی مدیران شرکت‌های بورسی به قیمت سهام شرکت در بازار وابسته است، که به آن‌ها انگیزه می‌دهد قیمت سهام را بالا نگه دارند. استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای دستکاری سود، بیشتر در شرکت‌هایی به چشم می‌خورد که پاداش مدیران آن‌ها وابسته به قیمت سهام شرکت است (برگستر و فیلیپین، ۲۰۰۶). با توجه به این که قیمت سهام شرکت در بورس، برای شرکت‌های بورسی به‌طور روزانه در دسترس است، ارزش بازار شرکت یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزش‌یابی عملکرد برای مدیران شرکت‌های بورسی است. در این راستا، دستکاری سود به منظور تأثیرگذاری بر قیمت سهام در کوتاه‌مدت به عنوان یکی

از مهم‌ترین دلایل مدیریت سود شناخته شده می‌شود (نورنا و همکاران، ۲۰۰۸). استفاده گسترده سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی از اطلاعات حسابداری به منظور تعیین ارزش سهام موجب می‌شود تا مدیران از طریق دستکاری سود، قیمت سهام بنگاه اقتصادی خود را در کوتاه‌مدت تحت تأثیر قرار داده و بهینه نمایند (دیچو و اسکینر، ۲۰۰۰).

در حالی که ثروت شخصی مدیران شرکت‌های غیربورسی به ارزش شرکت گره نخورده است. به عبارت دیگر، انگیزه‌های افزایش قیمت سهام از طریق دستکاری سود برای شرکت‌های غیربورسی چندان قابل تصور نیست. بنابراین انتظار می‌رود که شرکت‌های غیربورسی انگیزه کمتری برای دستکاری سود داشته باشند که این امر منجر به ارائه گزارشگری مالی با کیفیت برای شرکت‌های غیربورسی در مقایسه با شرکت‌های بورسی می‌شود (هوپ و همکاران، ۲۰۱۳).

فقط دو پژوهش شواهد تجربی در حمایت از نظریه رفتار فرصت طلبانه در خصوص شرکت‌های بورسی ارائه داده‌اند. گراهام و همکاران (۲۰۰۵) پیامدهای اقتصادی گزارشگری مالی شرکت‌های بزرگ را بررسی کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بورسی در معرض فشارهای بازار سرمایه هستند، که منجر به انگیزه بیشتر آن‌ها برای مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی می‌شود. در این راستا، یافته‌های گیولی و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که شرکت‌های بورسی کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر، تمایل بیشتر برای مدیریت سود (رو به بالا یا پائین) جهت رسیدن به سود هدف و اقلام تعهدی با پایداری کمتر در مقایسه با شرکت‌های غیربورسی دارند.

به طور کلی شواهد نظری و تجربی براساس نظریه رفتار فرصت طلبانه، بیانگر آن است که به دلیل انگیزه‌ها و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران شرکت‌های بورسی، کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی نسبت به شرکت‌های غیربورسی پایین‌تر است.

فرضیه پژوهش

مرور شواهد نظری و تجربی موجود نشان می‌دهد هم مبانی نظری و هم یافته‌های پژوهش‌های قبلی در ارتباط با تفاوت مدیریت سود شرکت‌های بورسی و غیربورسی متضاد هستند. در این راستا، پژوهش ویگنرون و مارد (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که هم شرکت‌های کوچک و

متوسط بورسی و هم غیربورسی فرانسوی اقدام به مدیریت سود می‌کنند؛ اما اهداف مدیریت سود آن‌ها و روش‌های مدیریت سود آن‌ها متفاوت است. با توجه به وجود دو نظریه متضاد (تقاضا و رفتار فرصت طلبانه)، شواهد تجربی متناقض پژوهش‌های قبلی و نبود پژوهش داخلی در این حوزه، فرضیه‌های این پژوهش بدون تعیین جهت (مثبت و منفی) به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه: بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر نیز برای گردآوری داده‌ها از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است که معیارهای اعمال شده به شرح زیر است:

- ۱- مجموعه کامل صورت‌های مالی حسابرسی شده، شرکت در دسترس باشد.
- ۲- جزء شرکت‌های صنعت مالی شامل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها و بیمه‌ها و لیزینگ نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و تصمیمات شرکت در آن‌ها متفاوت است.
- ۳- در طی دوره تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- ۴- شرکت جزء صنعتی باشد که حداقل ۱۰ مشاهده برای در هر سال، برای آن صنعت در دسترس باشد.
- ۵- سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

تمامی شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی (به جز شرکت‌های صنعت مالی) که صورت‌های مالی آن‌ها در سایت کدال افشا شده‌اند، با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذکور، به عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. قلمرو زمانی این پژوهش، دوره زمانی پنج ساله ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ می‌باشد. با توجه به این که صورت‌های مالی شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی، از سال ۱۳۹۰ از طریق سایت کدال افشا شده است، دوره زمانی این پژوهش بین سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ می‌باشد.

بعد از اعمال محدودیت‌های پیش گفته و دوره زمانی پنج ساله، تعداد مشاهدات در آزمون نهائی این پژوهش شامل ۱، ۰۲۵ سال - شرکت (۲۰۵ شرکت) می‌باشد. توزیع شرکت‌های نمونه براساس نوع صنعت به شرح زیر می‌باشد.

تک‌اره (۱): توزیع شرکت‌های نمونه برحسب نوع صنعت

ردیف	نوع صنعت	بورسی	غیر بورسی	جمع	درصد
۱	خودرو و ساخت قطعات	۱۴	۲۸	۴۲	۲۰
۲	ماشین‌آلات و تجهیزات	۸	۱۵	۲۳	۱۱
۳	مواد و محصولات دارویی	۸	۸	۱۶	۸
۴	الکترونیکی	۴	۱۳	۱۷	۸
۵	فلزات اساسی	۸	۹	۱۷	۸
۶	مواد غذایی	۱۰	۶	۱۶	۸
۷	پتروشیمی	۷	۶	۱۳	۶
۸	سیمان	۱۱	۱	۱۲	۶
۹	محصولات شیمیایی	۶	۴	۱۰	۶
۱۰	سایر صنایع	۱۱	۲۸	۳۹	۱۹
	جمع	۸۷	۱۱۸	۲۰۵	۱۰۰

مدل پژوهش

مدل اصلی تحقیق براساس پژوهش‌های فرنسیس و همکاران (۲۰۱۳) و محمدرضائی و محد - صالح (۲۰۱۶) به شرح زیر تدوین شده است:

$$\begin{aligned}
 \text{AbsDisAcc}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{UnListedFirm}_{it} + \beta_2 \text{AudPvt}_{it} + \beta_3 \text{AudChg}_{it} \\
 & + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Lev}_{it} + \beta_6 \text{Issue}_{it} + \beta_7 \text{Growth}_{it} \\
 & + \beta_8 \text{Loss}_{it} + \beta_9 \text{LogAge}_{it} + \beta_{10} \text{ConOwn}_{it} \\
 & + \beta_{11} \text{StOwn}_{it} + \sum \beta_j \text{IndustryDum} \\
 & + \beta_k \text{YearDum} + \varepsilon_{it} (I)
 \end{aligned}$$

تعریف متغیرها

متغیر وابسته

AbsDisAcc: قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری، نحوه محاسبه اقلام تعهدی اختیاری در ادامه تشریح شده است.

متغیر مستقل اصلی

UnListedFirm: غیربورسی بودن، متغیر ساختگی مساوی یک اگر شرکت جز شرکت های غیربورسی تابعه شرکت های بورسی باشد که اطلاعات آنها در سایت کدال منتشر شده است و صفر اگر شرکت جز شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد.

متغیرهای کنترلی

AudPvt: حسابرس خصوصی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرس جزء موسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی باشد و صفر در صورتی که حسابرس سازمان حسابرسی باشد.

AudChg: تغییر حسابرس، متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرس تغییر کرده باشد، در غیر این صورت صفر

Size: اندازه شرکت، لگاریتم طبیعی جمع دارایی های یک شرکت

Lev: نسبت بدهی، کل بدهی ها تقسیم بر جمع ارزش دفتری دارایی ها

Issue: افزایش سرمایه، متغیر ساختگی مساوی یک اگر شرکت افزایش سرمایه داده باشد، در غیر این صورت صفر

Growth: درصد رشد فروش سال جاری نسبت به سال قبل

Loss: زیان ده بودن شرکت، متغیر ساختگی مساوی یک اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد، در غیر این صورت صفر

LogAge: سن شرکت، لگاریتم طبیعی سن شرکت (تعداد سال ها از بدو تاسیس)

ConOwn: تمرکز مالکیت، درصدی از سهام شرکت که متعلق به بزرگ‌ترین سهامدار شرکت است

StOwn: مالکیت دولتی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر بیش از ۵۰ درصد از سهام شرکت متعلق به دولت یا شرکت‌های نیمه دولتی باشد، در غیر این صورت صفر

YearDum: متغیرهای ساختگی مربوط به زمان (هر سال یک متغیر مجازی)

IndustryDum: متغیرهای ساختگی مربوط به نوع صنعت

تعریف متغیر مستقل اصلی این پژوهش یعنی UnListedFirm، مطابق پژوهش‌های قبلی در این حوزه (مانند، گیولی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هوپ و همکاران، ۲۰۱۳) می‌باشد. کنترل اثرات ثابت در سطح شرکت (تجزیه و تحلیل به صورت پنل) باعث می‌شود که اثرات عوامل حذف شده مرتبط با هر شرکت (اثرات عواملی که در طول زمان تغییر نمی‌کنند) کنترل گردد (بال و همکاران، ۲۰۱۲). اما اجرای مدل با اثرات ثابت شرکت، زمانی که تعداد مقاطع (شرکت‌ها) چندین برابر تعداد سال‌هاست، موجب می‌شود که تعداد زیادی متغیر مجازی به مدل پژوهشی اضافه شوند که به دلیل کاهش درجه آزادی مدل، قدرت آزمون را کاهش می‌دهند (بال و همکاران، ۲۰۱۲). در چنین شرایطی شاید آثار منفی استفاده از کنترل اثرات ثابت در سطح شرکت بیشتر از آثار مثبت آن شود. به این دلیل، در پژوهش‌های خارجی حسابداری مانند، جگی و همکاران (۲۰۰۹) و بال و همکاران (۲۰۱۲)، به دلیل حجم بالای مشاهدات و تعداد بالای مقاطع (شرکت‌ها) و به منظور استفاده از مزایای کنترل اثرات ثابت و کاهش اثرات منفی این نوع برآورد مدل، به جای کنترل اثرات در سطح شرکت به کنترل اثرات ثابت در سطح صنعت و سال می‌پردازند. به همین دلیل، رویکرد اصلی پژوهش حاضر کنترل اثرات ثابت در سطح سال (YearDum) و صنعت (IndustryDum) است (محمدرضائی، ۱۳۹۶). لذا برای تخمین کلیه مدل‌ها از روش تلفیقی با کنترل اثرات در سطح سال و صنعت استفاده می‌شود.

اندازه‌گیری مدیریت سود

هرچند اقلام تعهدی اختیاری به دفعات توسط پژوهش‌های قبلی به عنوان معیاری از مدیریت سود به کار رفته است، دیچو و همکاران (۲۰۱۰) بحث کرده‌اند که مدل‌های مربوط به اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری هنوز در حال تکمیل و دارای ضعف‌هایی در شناسایی دستکاری

های انجام شده در سود می‌باشند. در ایران، اغلب تحقیقات از مدل جونز (۱۹۹۱) در آزمون مدیریت سود استفاده کرده‌اند؛ اما نتایج تحقیق نیکومرام و همکاران (۱۳۸۸) و رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۲) نشان دادند که مدل جونز (۱۹۹۱) و جونز تعدیل شده توسط دیچو و همکاران (۱۹۹۵) در کشف مدیریت سود کارا نمی‌باشند. نیکومرام و همکاران (۱۳۸۸) مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۲) مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) را برای کشف مدیریت سود مناسب دانستند. همانند کاپور و همکاران (۲۰۱۰) و محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴)، در این پژوهش از سه مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و بال و شیوا کومار (۲۰۰۶) و دیچو و دیچف (۲۰۰۲) برای محاسبه مدیریت سود استفاده می‌شود. با استفاده از این سه مدل احتمال سوگیری ناشی از انتخاب یک مدل خاص برای اندازه‌گیری مدیریت سود توسط پژوهشگر، کاهش می‌یابد. ابتدا، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به شرح زیر ارائه می‌شود.

$$TAC_{ijt} = \alpha_0 + \alpha_1 (\Delta REV_{ijt} - \Delta AR_{ijt}) + \alpha_2 PPE_{ij} + \alpha_3 ROA_{ijt-1} + \varepsilon_{ijt} \quad (2)$$

که در آن:

TAC: کل اقلام تعهدی، که از طریق تفاوت بین سود عملیاتی با جریان نقد عملیاتی به دست می‌آید.

ΔREV : تغییر در درآمد فروش نسبت به دوره قبل

ΔAR : تغییر در حساب‌های دریافتی نسبت به دوره قبل

ROA: نسبت بازده دارایی‌ها

PPE: جمع اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

تمامی متغیرهای مدل (۲) به جمع کل دارایی‌های شرکت در سال قبل تقسیم می‌شوند.

مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶) همان مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) به همراه کنترل نقش محافظه کاری حسابداری بر اختیار مدیران در گزارش سود از طریق سه متغیر اضافی به شرح زیر می‌باشد.

$$TAC_{ijt} = \alpha_0 + \alpha_1 (\Delta REV_{ijt} - \Delta AR_{ijt}) + \alpha_2 PPE_{ij} + \alpha_3 CFO_{ijt} + \alpha_4 DCFO_{ijt} + \alpha_5 (CFO_{ijt} / TA_{ijt-1}) * DCFO_{ijt} + \varepsilon_{ijt} \quad (3)$$

که در آن:

CFO: جریان نقد حاصل از عملیات

DCFO: متغیر ساختگی مساوی یک اگر جریان نقد حاصل از عملیات منفی باشد، در غیر این صورت صفر

TA: کل دارایی‌ها

سایر متغیرها در بخش قبلی تعریف شده‌اند، و تمام متغیرهای مدل (۳) بر جمع کل دارایی‌های سال قبل تقسیم می‌شوند.

سومین مدل به کار گرفته شده برای اندازه‌گیری مدیریت سود، مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) می‌باشد. این مدل در ادامه تشریح شده است:

$$\Delta WC_{ijt} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{ijt-1} + \alpha_2 CFO_{ijt} + \alpha_3 CFO_{ijt+1} + \varepsilon_{ijt} \quad (4)$$

که در آن:

ΔWC : تغییرات در سرمایه در گردش - $(\Delta OTH + \Delta TAX + \Delta AP + \Delta INV + \Delta AR)$

ΔAR : تغییر در حساب‌های دریافتی نسبت به دوره قبل

ΔINV : تغییر در موجودی کالا نسبت به دوره قبل

ΔAP : تغییر در حساب‌های پرداختی نسبت به دوره قبل

ΔTAX : تغییر در مالیات پرداختی نسبت به دوره قبل

ΔOTH : تغییرات در سایر دارایی‌های جاری نسبت به دوره قبل، و

CFO: جریان نقد حاصل از عملیات

تمام متغیرهای مدل (۴) بر جمع دارایی‌های سال قبل تقسیم می‌شوند. هم‌چنین به منظور کنترل ویژگی‌های خاص هر صنعت در محاسبه ارقام تعهدی غیراختیاری، مدل‌های ۲، ۳ و ۴ برای هر سال - هر صنعت اجرا می‌شوند. مطابق پژوهش‌های قبلی مانند جگی و همکاران (۲۰۰۹)، کالپور و همکاران (۲۰۱۰)، فرنسیس و همکاران (۲۰۱۳) و محمدرضائی و

محد - صالح (۲۰۱۶)، اقلام تعهدی اختیاری عبارت است از آماره خطا (ع) به دست آمده پس از اجرای مدل‌های ۲، ۳ و ۴.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

نگاره (۲) آماره‌های توصیفی مرتبط با مدل رگرسیونی ۱ را نشان می‌دهد. تابلوی (الف) نگاره (۲) آماره‌های توصیفی برای متغیرهای پیوسته پژوهش را گزارش می‌کند. میانگین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری براساس مدل کوتاری و همکاران ۷ درصد می‌باشد که قابل مقایسه با آماره‌های توصیفی پژوهش محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴) است. نگاره (۲) نشان می‌دهد که میانگین نسبت بدهی‌ها ۶۴ درصد می‌باشد که بیانگر این است که تقریباً قسمت عمده ای از منابع مالی شرکت‌ها از طریق بدهی تأمین شده است. این آماره توصیفی قابل مقایسه با پژوهش‌های قبلی (مانند، پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۴) است. هم‌چنین نگاره (۲) نشان می‌دهد که میانگین درصد مالکیت سهامدار عمده حدود ۶۲ درصد است که مطابق با یافته‌های توصیفی محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴) در مورد ساختار مالکیت شرکت‌های ایرانی است. به عبارت دیگر، این آماره توصیفی بیانگر آن است که تمرکز مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیربورسی مشهود است. در حالی که در بازارهای سرمایه کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، تمرکز مالکیت بیش از ۵ درصد مشهود نبوده و سهامداران جزء و نهادی اشکال غالب سهامداری هستند.

تابلوی (ب) نگاره (۲) نتایج آزمون آرا نشان می‌دهد. میانگین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری براساس هر سه مدل برای شرکت‌های بورسی و غیربورسی تقریباً مشابه است و تفاوت معناداری ندارد. چنین یافته‌ای از فرضیه اول پژوهش حمایت نمی‌کند. سایر آماره‌های توصیفی متغیرهای پیوسته برای شرکت‌های بورسی و غیربورسی تابعه آن‌ها، با واقعیت مطابقت دارد. به عبارت دیگر، اندازه شرکت‌های بورسی به‌طور معناداری بزرگ‌تر از شرکت‌های غیربورسی است. سن شرکت‌های غیربورسی کوچک‌تر و تمرکز مالکیت در آن‌ها به‌طور قابل توجه و معناداری بیشتر است. هم‌چنین، نسبت بدهی و نرخ رشد فروش برای شرکت‌های غیربورسی بیشتر از شرکت‌های بورسی است.

نگاره (۲): آماره‌های توصیفی

تابلوی الف: متغیرهای پیوسته							
نام متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل		
مدیریت سود KWL	۰/۰۷۳	۰/۰۵۸	۰/۰۵۷	۰/۰۵۴	۰/۰۰۴		
مدیریت سود BSH	۰/۰۷۰	۰/۰۵۷	۰/۰۵۴	۰/۲۴۲	۰/۰۰۳		
مدل مدیریت سود DD	۰/۱۹۹	۰/۱۸۴	۰/۱۴۱	۰/۶۲۹	۰/۰۰۱		
اندازه شرکت	۱۳/۴۵۴۶	۱۳/۴۷۹	۲/۰۴۴	۱۸/۶۹۱	۹/۴۱۸		
نسبت بدهی	۰/۶۴۱	۰/۶۲۸	۰/۲۱۷	۱/۲۸۰	۰/۲۲۷		
رشد فروش	۰/۲۵۹	۰/۱۹۴	۰/۴۵۷	۲/۶۸۰	-۰/۴۹۱		
سن شرکت	۳/۰۳۵	۳/۱۳۶	۰/۷۴۹	۴/۱۸۹	۱/۹۴۶		
درصد مالکیت سهامدار عمده	۰/۶۱۹	۰/۵۷۰	۰/۲۰۰	۰/۹۹۰	۰/۲۷۰		
تابلوی ب: آزمون t و ناپارامتری							
آزمون ناپارامتری				آزمون t			
نام متغیرها	شرکت‌های غیربورسی (N=۵۹۲)	شرکت‌های بورسی (N=۴۳۳)	کای دو	نام متغیرها	آماره t	شرکت‌های غیربورسی (N=۵۹۲)	شرکت‌های بورسی (N=۴۳۳)
مدیریت سود KWL	۰/۰۸۰	۰/۰۷۹	۰/۳۱	حسابرس خصوصی	۵۰۳	۳۴۶	۴/۵۰**
مدیریت سود BSH	۰/۰۷۷	۰/۰۷۶	۰/۲۳	(%)	۸۵	۸۰	
مدیریت سود DD	۰/۱۹۹	۰/۱۹۹	۰/۰۲	تغییر حسابرس	۱۶۱	۹۷	۳/۰۵
اندازه شرکت	۱۲/۷۳۷	۱۴/۶۵۰	۱۶/۶۹***	(%)	۲۷	۲۲	
نسبت بدهی	۰/۶۹۴	۰/۶۲۶	۳/۳۸***	افزایش سرمایه	۱۱۰	۸۴	۰/۱۱
رشد فروش	۰/۴۴۰	۰/۲۴۰	۳/۹۶***	(%)	۱۹	۱۹	
سن شرکت	۲/۸۰۶	۳/۳۴۷	-۱۲/۲۰***	زیان شرکت	۱۴۷	۵۸	۲۰/۴۱***
درصد مالکیت سهامدار عمده	۰/۸۴۴	۰/۵۰۶	۱۸/۹۷***	(%)	۲۵	۱۳	
				مالکیت دولتی	۳۳۶	۲۸۴	۸/۱۶***
				(%)	۵۷	۶۶	
* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪. KWL مدل کوتاری و همکاران، BSH مدل پال و شیواکومار و DD مدل دیجو و دیچف.							

هم‌چنین، تابلوی (ب) جدول ۲ نتایج آزمون ناپارامتری برای متغیرهای گسسته پژوهش را نشان می‌دهد. در مقایسه با شرکت‌های بورسی، شرکت‌های غیربورسی بیشتر توسط حساب‌رسان خصوصی حسابرسی می‌شوند، بیشتر زیان‌ده و غیردولتی هستند.

لازم به ذکر است که برای کاهش اثر مشاهدات پرت بر نتایج تحقیق، یک درصد کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده‌های مربوط به متغیرهای پیوسته را با اعداد نزدیک‌ترین مشاهدات به آن داده‌ها، جایگزین شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون که گزارش نشده، نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. هم‌چنین، آماره عامل تورم واریانس نیز برای تک‌تک مدل‌ها بدست آمد که برای تمامی متغیرهای مستقل، کمتر از حد آستانه‌ای (یعنی ۱۰) بود. به عبارت دیگر، مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل این پژوهش وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه

نگاره (۳) نتایج آزمون فرضیه پژوهش را گزارش می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) رابطه معناداری با مدیریت سود (بدست آمده براساس هر سه مدل) ندارد. چنین یافته‌ای از فرضیه پژوهش پشتیبانی نمی‌کند و فرضیه پژوهش رد می‌شود.

نگاره (۳): یافته‌های آزمون فرضیه - نوع شرکت و مدیریت سود

مدیریت سود DD		مدیریت سود BSH		مدیریت سود KWL		متغیر
آماره t	ضریب برآوردی	آماره t	ضریب برآوردی	آماره t	ضریب برآوردی	
۳/۵۳	***۰/۳۰۱	۰/۱۴	۰/۰۱۰	۱/۴۵	۰/۰۳۹	مقدار ثابت
-۰/۴۹	-۰/۱۵	۱/۳۱	۰/۰۱۰	۰/۲۱	۰/۲۰۰	شرکت غیربورسی
-۱/۳۶	-۰/۰۲۱	۰/۰۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۷	-۰/۰۰۱	حساب‌رسان خصوصی
-۴/۲۲	***-۰/۰۲۹	-۳/۲۰	***-۰/۰۱۰	۱/۵۵	۰/۰۰۵	تغییر حساب‌رسان
۱/۶۸	۰/۰۰۷	۲/۳۴	**۰/۰۰۳	۲/۳۳	**۰/۰۰۳	اندازه شرکت
۳/۰۹	***۰/۰۶۲	۲/۰۷	**۰/۰۰۶	۱/۳۵	۰/۰۰۵	نسبت بدهی
۳/۹۹	***۰/۰۳۰	-۰/۳۷	-۰/۰۰۱	-۰/۸۳	-۰/۰۰۳	افزایش سرمایه
۱/۸۰	۰/۰۱۱	-۰/۰۸	-۰/۰۰۱	-۱/۵۹	-۰/۰۰۳	رشد فروش

مدیریت سود DD		مدیریت سود BSH		مدیریت سود KWL		متغیر
آماره t	ضریب برآوردی	آماره t	ضریب برآوردی	آماره t	ضریب برآوردی	
-۰/۲۲	-۰/۰۰۲	۲/۵۲	**۰/۰۱۱	-۱/۱۹	۰/۰۰۵	زیان شرکت
۱/۱۱	۰/۰۱۴	۲/۷۷	***۰/۰۰۷	۰/۹۹	۰/۰۰۳	سن شرکت
۰/۴۳	۰/۰۱۵	-۰/۸۹	-۰/۰۰۸	-۲/۶۸	***-۰/۰۲۲	درصد مالکیت سهامدار عمده
۰/۰۱	۰/۰۰۱	-۳/۶۲	***-۰/۰۱۴	۰/۲۱	۰/۰۰۱	مالکیت دولتی
	کنترل شد		کنترل شد		کنترل شد	متغیرهای ساختگی - سال
	کنترل شد		کنترل شد		کنترل شد	متغیرهای ساختگی - نوع صنعت
	۰/۲۷		۰/۲۲		۰/۱۷	ضریب تعیین تعدیل شده
	۹/۷۲***		۱۰/۰۵***		۷/۴۱***	سطح معناداری مدل

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪. KWL مدل کوتاری و همکاران، BSH مدل بال و شیواکومار و DD مدل دیچو و دیچف.

نگاره (۳) نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ، بیشتر اقدام به مدیریت سود می‌کنند. نتایج هم چنین بیانگر آن است که نسبت بدهی رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد و مدیریت سود برای شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند کم‌تر است.

علی‌رغم این که دو جریان متضاد شواهد نظری و تجربی در سطح بین الملل وجود دارد، یافته‌های این پژوهش (تفاوت معناداری بین مدیریت سود شرکت‌های بورسی و غیربورسی وجود ندارد) از هیچ یک از این جریان‌های پژوهشی حمایت نمی‌کند. یکی از دلایل عدم حمایت یافته‌های پژوهش حاضر از شواهد تجربی موجود در سطح بین الملل می‌تواند ناشی از این امر باشد که قوانین، استانداردها و شرایط محیطی و اقتصادی شرکت‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است. اما مهم‌ترین دلیل چنین نتایجی می‌تواند این موضوع باشد که شرکت‌های غیربورسی انتخاب شده در این پژوهش، مشابه شرکت‌های غیربورسی آزمون شده در تحقیقات خارجی نمی‌باشند؛ زیرا حسابرسان و مدیران شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی به این موضوع واقف هستند که صورت‌های مالی شرکت آن‌ها در سایت کدال افشا خواهد شد و در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. بنابراین، مدیران و حسابرسان شرکت

های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی، مانند شرکت‌های بورسی حساسیت لازم در تهیه صورت‌های مالی را دارند. اما شرکت‌های غیربورسی آزمون شده توسط پژوهش‌های خارجی، شرکت‌های غیربورسی هستند که صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس همگان قرار نمی‌گیرد. با توجه به این که دوره پژوهش حاضر، ۵ سال است، نسبت به عدم مانایی متغیرهای پژوهش می‌توان نگران نبود؛ اما نتایج آزمون گزارش نشده از این بابت نیز نشان داد که نگرانی در مورد عدم مانایی متغیرهای پژوهش وجود ندارد. هم‌چنین، خطاهای استاندارد اصلاح شده ناهمسانی واریانس وایت^۴ در جداول ۳ و ۴ گزارش شده‌اند. با در نظر گرفتن این موضوع که دوره پژوهش فقط محدود به ۵ سال است، مشکل خودهمبستگی برای این پژوهش نمی‌تواند حاد باشد.

آزمون‌های حساسیت

آزمون جهت مدیریت سود

قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری همانند پژوهش‌های پیشین (مانند، جگی و همکاران، ۲۰۰۹) در مدل اصلی پژوهش به عنوان متغیر وابسته بکار رفته است. هر چند این نحوه عمل تمامیت مقداری دستکاری سود توسط مدیریت را در بر می‌گیرد، اما جهت مدیریت سود را در نظر نمی‌گیرد. توجه به جهت مدیریت سود بسیار مهم است چون بیشتر رسوایی‌های مالی بزرگ از طریق مدیریت سود رو به بالا اتفاق افتاده‌اند (همیلتن و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، در ادامه رابطه بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود رو به بالا مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج گزارش نشده نشان می‌دهد که نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) رابطه معناداری با مدیریت سود رو به بالا (بدست آمده براساس هر سه مدل) ندارد. چنین یافته‌ای در راستای نتایج اصلی پژوهش است.

نتایج آزمون غیربورسی بودن به عنوان یک متغیر درون‌زا

با توجه به این که شرکت‌های بورسی به‌طور میانگین بسیار بزرگ‌تر از شرکت‌های غیربورسی هستند و از بابت سایر ابعاد هم تفاوت عمده‌ای با شرکت‌های غیربورسی دارند، به منظور ایزوله کردن بهتر نقش غیربورسی بودن، از تکنیک "تطابق براساس امتیاز-تمایل"^۱ استفاده شده است (هوپ و همکاران، ۲۰۱۳). در این راستا، نگاره (۲) نشان می‌دهد که شرکت‌های بورسی به‌طور محسوسی بر حسب میانگین بزرگتر از شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت

های بورسی هستند. هم‌چنین به‌خاطر سایر تفاوت‌های مهم دیگر مانند تنوع معاملات، در صد سهامداران عمده و... باید اثر غیربورسی بودن مجزا شود. چنین ویژگی‌های متفاوتی بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی تابعه آن‌ها ممکن است بر نوع انتخاب رویه‌های حسابداری و تمایلات شرکت‌ها برای کیفیت گزارشگری مالی موثر باشد. به عبارت دیگر، به‌طور مثال تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی و غیربورسی به‌جای این‌که ناشی از بورسی بودن یا نبودن باشد، ممکن است ناشی از تفاوت در ویژگی‌های این شرکت‌ها (مانند اندازه، ترکیب سهامداران و...) باشد.

همان‌طوری که ذکر شد برای کنترل درون‌زا بودن ۵ متغیر غیربورسی بودن، از تکنیک تطابق براساس امتیاز-تمایل استفاده شده است. از مدل (۵) برای تطابق شرکت‌های بورسی و غیربورسی استفاده شده است:

$$\begin{aligned} \text{UnListedFirm}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{AudPvt}_{it} + \alpha_2 \text{AudOpn}_{it} + \alpha_3 \text{Size}_{it} + \alpha_4 \text{Lev}_{it} \\ & + \alpha_5 \text{ROA}_{it} + \alpha_6 \text{LogAge}_{it} + \alpha_7 \text{Subs}_{it} + \alpha_8 \text{ConOwn}_{it} + \alpha_9 \text{StOwn}_{it} \\ & + \beta_j \text{IndustryDum} + \beta_k \text{YearDum} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (5)$$

که در آن:

AudOpn: گزارش حسابرسی غیرمقبول، متغیر ساختگی مساوی یک اگر نوع گزارش حسابرسی غیرمقبول باشد و صفر اگر نوع گزارش مقبول باشد

Subs: شرکت اصلی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر شرکت دارای یک یا چند شرکت فرعی باشد، صفر در غیر این صورت سایر متغیرهای به‌کار رفته در مدل (۵) به‌طور کامل در مدل‌های قبلی تعریف شده‌اند.

براساس این تکنیک، یک شرکت بورسی با یک شرکت غیربورسی تابعه شرکت بورسی (بدون جایگزینی و تکرار) با هم پیوند (براساس فرآیند پیوند نزدیکترین همسایه) داده شد (لاورنس و همکاران، ۲۰۱۱: فیل اسرافیلی، ۱۳۹۴). در نهایت، مدل اصلی پژوهش براساس نمونه انطباقی بدست آمده (۶۲۲ سال - شرکت مشاهده) اجرا شد. لازم به ذکر است که به عنوان یکی از مهم‌ترین ضعف‌های این تکنیک، در مرحله تطبیق قسمتی از مشاهدات نمونه اولیه که با هم قابلیت انطباق نداشتند (۴۰۳ سال - شرکت مشاهده)، حذف شدند. نتایج اجرای

دوباره مدل (۱) براساس هر سه مدل اندازه‌گیری مدیریت سود براساس نمونه انطباقی و با کنترل درون‌زا بودن متغیر مستقل اصلی پژوهش، نشان داد که نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

هم‌چنین، در یک نحوه عمل جایگزین، برای کنترل درون‌زا بودن متغیر مستقل اصلی پژوهش، همانند هوپ و همکاران (۲۰۱۳)، به‌طور دستی به انطباق مشاهدات مربوط به شرکت‌های بورسی با مشاهدات مربوط به شرکت‌های غیربورسی براساس اندازه شرکت، اقدام کردیم. به عبارت دیگر، شرکت‌های بورسی و غیربورسی را به‌طور جداگانه براساس میانه متغیر لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها به دو گروه بزرگ و کوچک تقسیم کردیم. سپس، یک زیرنمونه به تعداد ۵۱۳ سال- شرکت مشاهده، شامل شرکت‌های بزرگ غیربورسی و شرکت‌های کوچک بورسی براساس لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها بدست آمد. این گروه از شرکت‌های بورسی و غیربورسی از لحاظ اندازه با یکدیگر تفاوت قابل توجهی نداشتند. نتایج گزارش نشده از اجرای مدل (۱) در ارتباط با فرضیه اول نشان می‌دهد که غیربورسی بودن رابطه معناداری با مدیریت سود (اندازه‌گیری شده براساس هر سه مدل) ندارد. به عبارت دیگر، نتایج به‌دست آمده براساس این زیرنمونه، مطابق یافته‌های اصلی پژوهش، گزارش شده در نگاره (۳) می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که یافته‌های اصلی پژوهش (گزارش شده در نگاره ۳) قابل اتکا بوده، نسبت به اندازه‌های متفاوت نمونه حساسیت نداشته و احتمالاً از مشکل درون‌زا بودن متغیر مستقل اصلی رنج نمی‌برند.

کنترل سیاست یکسان شرکت‌ها در مدیریت سود

نتایج اصلی این پژوهش نشان دهنده نبود رابطه معنادار بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود است. هم‌چنین، شرکت‌های غیربورسی آزمون شده در این پژوهش، همان شرکت‌های تابعه شرکت‌های بورسی هستند. در این چنین وضعیتی، این نگرانی وجود دارد که شاید عدم تفاوت معنادار مدیریت سود بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی، ناشی از این موضوع باشد که شرکت‌های غیربورسی تابعه، همان سیاست‌های دیکته شده شرکت اصلی (که بورسی است) در مورد کیفیت گزار شگری مالی (مدیریت سود) را پیروی می‌کنند. با در نظر گرفتن این فرضیه اثبات نشده، ممکن است علت رد فرضیه‌های پژوهش

حاضر، ناشی از این موضوع باشد که شرکت‌های اصلی بورسی و شرکت‌های غیربورسی تابعه آن‌ها که به‌طور همزمان مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

برای رفع این نگرانی، شرکت‌های غیربورسی دوباره مورد مذاقه قرار گرفتند و ۸۲ شرکت غیربورسی که شرکت‌های اصلی یا مادر آن‌ها جز ۸۷ شرکت بورسی در نمونه پژوهش بودند، حذف شدند. بنابراین، تنها ۳۶ شرکت غیربورسی که شرکت‌های اصلی یا مادر آن‌ها به‌عنوان شرکت بورسی در نمونه پژوهش نبودند، باقی ماندند. به عبارت دیگر، بعد از اعمال این محدودیت، مدل (۱) با استفاده از یک زیرنمونه جدید که شامل ۱۲۳ شرکت (۸۷ شرکت بورسی و ۳۶ شرکت غیربورسی) در طی پنج سال پژوهش (۶۱۳ سال- شرکت مشاهده) بود، دوباره اجرا شد. به‌طور کلی، نتایج گزارش نشده نشان داد که همانند یافته‌های اصلی پژوهش هیچ رابطه معناداری بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود (اندازه گیری شده براساس هر سه مدل) وجود ندارد. یافته‌های این آزمون اضافی نشان می‌دهد که رابطه غیرمعنادار بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود، قابل انتساب به تبعیت شرکت‌های غیربورسی از شرکت‌های اصلی خود (که بورسی هم می‌باشند) در خصوص کیفیت گزارشگری مالی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

سود و کیفیت آن به دلیل اهمیتی که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارد، توجه بسیاری از پژوهشگران و قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است. اما سود در سیستم تعهدی و تحت تأثیر رویه‌های حسابداری که مدیریت انتخاب می‌نماید، محاسبه می‌گردد. در این راستا، اخیراً پژوهش‌هایی شواهد نظری و تجربی در مورد این که انگیزه‌های مدیریت شرکت‌های بورسی در مقایسه با شرکت‌های غیربورسی در دستکاری یا عدم دستکاری سود حسابداری متفاوت است، فراهم کرده‌اند. به عبارت دیگر، پژوهش‌های پیشین از دو نظریه متضاد (نظریه تقاضا و نظریه رفتار فرصت طلبانه) برای آزمون تفاوت مدیریت سود بین شرکت‌های بورسی و غیربورسی استفاده کرده‌اند. همانند دو نظریه متضاد مذکور، شواهد تجربی محدودی هم که در این خصوص در سطح بین‌الملل وجود دارد که متناقض هستند. مرور پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیچ پژوهشی که کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی و غیربورسی را در ایران بررسی کرده باشد، وجود ندارد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر آزمون تفاوت

احتمالی مدیریت سود بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی است. شرکت‌های غیربورسی تابعه شرکت‌های بورسی، آن دسته از شرکت‌های فرعی غیربورسی شرکت‌های بورسی هستند که صورت‌های مالی حسابرسی شده آن‌ها در سایت کدال (به دلیل این که در صورت‌های مالی تلفیقی شرکت اصلی لحاظ می‌شوند) در دسترس همگان قرار می‌گیرند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و مدیریت سود (اندازه‌گیری شده براساس هر سه مدل) وجود ندارد. هم‌چنین، نتایج اصلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) و نوع مدیریت سود (رو به بالا) رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، یافته‌های آمار توصیفی و تحلیلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سطح مدیریت سود در شرکت‌های غیربورسی تفاوت محسوسی با شرکت‌های بورسی ندارد. یافته‌های این پژوهش از هیچ یک از جریان‌های پژوهشی موجود (جریان نظریه تقاضا و جریان نظریه رفتار فرصت طلبانه) در این خصوص پشتیبانی نمی‌کند. هر چند تفاوت‌های زیادی بین فضای پژوهشی ایران و فضای پژوهشی تحقیقات قبلی (مانند، آمریکا و انگلستان) در این خصوص وجود دارد، اما مهم‌ترین دلیل چنین نتایجی را می‌توان به تفاوت عمده شرکت‌های غیربورسی آزمون شده در این پژوهش با پژوهش‌های خارجی دانست. در پژوهش‌های خارجی، شرکت‌های غیربورسی شرکت‌هایی هستند که در بورس نبوده و اطلاعات آن‌ها به هیچ وجه در دسترس همگان قرار نمی‌گیرد. اما در پژوهش حاضر، شرکت‌های غیربورسی آزمون شده، شرکت‌هایی هستند که گزارشات مالی حسابرسی شده آن‌ها همانند شرکت‌های بورسی از طریق سایت کدال در دسترس همگان قرار می‌گیرد. چنین افشای گسترده‌ای باعث می‌شود مدیران و حساب‌برسان شرکت‌های غیربورسی که اطلاعات آن‌ها در سایت کدال در دسترس همگان قرار می‌گیرند، انگیزه‌های مشابهی با مدیران و حساب‌برسان شرکت‌های بورسی در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی داشته باشند.

پژوهش حاضر پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی در این زمینه ارائه می‌کند. این پژوهش تنها نقش نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) بر مدیریت سود را آزمون کرده است. بنابراین، پژوهش‌های آتی می‌توانند نقش نوع شرکت (غیربورسی در مقایسه با بورسی) بر موضوعات و مسایل دیگری همانند حق‌الزحمه حساب‌برسی، نوع گزارش حساب‌برسی، تاخیر در

گزارش حسابرسی و محافظه کاری را آزمون کنند. در این پژوهش، شرکت‌های غیربورسی که اطلاعات مالی آن‌ها در سایت کدال افشا می‌شوند به عنوان شرکت‌های غیربورسی در نظر گرفته شده‌اند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در صورت دسترسی به صورت‌های مالی شرکت‌های غیربورسی که اطلاعات آن‌ها به هیچ نحوی در دسترس همگان قرار نمی‌گیرد (از طریق رایزنی با جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان حسابرسی و غیره)، پژوهش حاضر را دوباره تکرار کنند.

پی نوشت

- | | | | |
|---|--------------------------------|---|----------------------------|
| ۱ | Propensity Score Match | ۲ | Nearest neighbour matching |
| ۳ | Pronesity score-matched sample | ۴ | White |
| ۵ | Endogeneity | | |

منابع

- پورحیدری، امید، برهانی نژاد، سعید، محمدرضاخانی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی: ۱۴ (۵۸)، ۸۵-۱۰۴
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی، پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۵ (۴)، ۲۳-۴۵.
- رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۲). بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود، تحقیقات حسابداری و حسابرسی: ۴ (۱۹)، ۵۴-۷۳.
- فیل اسرافیلی، مهدی. (۱۳۹۴). مقدمه ای بر روش همسان سازی براساس نمرات گرایش (PSM) در تحقیقات مالی، اقتصاد و حسابداری، مجله اقتصادی: ۱۵ (۵-۶)، ۵-۲۲.
- محمدرضائی، فخرالدین. (۱۳۹۶). روش پژوهش در حسابداری، چاپ اول، انتشارات ترمه، تهران.
- محمدرضائی، فخرالدین و محمد رضائی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت: ۴ (۴)، ۱-۱۳.
- نیکومرام، هاشم، نوروش، ایرج و مهرآزین، علیرضا. (۱۳۸۸). ارزیابی مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود. مجله پژوهش‌های مدیریت: ۲۰ (۸۲)، ۱-۲۰.
- Ball, R. , and Shivakumar, L. (2005) , Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*: 39 (1) , 12-83 .

- Ball, R. , and Shivakumar, L. (2006) , The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research* :44, 207–242.
- Ball, R. , Jayaraman, S. and Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*: 53) 1-2 (, 66-136.
- Bergstresser, D. and Philippon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*: 80, 511 -529.
- Burgstahler, D. , Hail, L. and Leuz, C. (2006). The importance of reporting incentives: Earnings management in European private and public firms. *The Accounting Review*: 81 (5) , 983-1016.
- Chen, F. , Hope, O. -K. , Li, Q. and Wang, X. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency of Private Firms in Emerging Markets. *The Accounting Review*: 86 (4) , 1255-1288.
- Dechow, P. , Sloan, R. and Sweeney, A.) 1995 (. Detecting earnings management. *The Accounting Review*: 70 (2) , 193–225.
- Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77 (1) , 35–59.
- Dechow, P. and Skinner, D. (2000). Earnings Management: reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons*, 14 (2) , 235 -250.
- Dechow, P. , Ge, W. and Schrand, C.) 2010 (. Understanding earnings quality: a review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*: 50, 344-401.
- Fill-Srafil, M. (2015). Introduction to propensity score matching method in Finance, Economics and Accounting, *Journal of Economic*: 15 (5-6), 5-22. (In Persian)
- Francis, J. R. , Michas, P. and Seavey, S. (2013). Does audit market concentration harm the quality of audited earnings Evidence from audit markets in 42 countries. *Contemporary Accounting Research*, 30 (1) , 325-355.
- Gaio, C. (2010). The relative importance of firm and country characteristics for earnings quality around the world. *European Accounting Review*, 19 (4) , 693-738.
- Givoly, D. , Hayn, C. and Katz, S. P. (2010). Does public ownership of equity improve earnings quality. *The Accounting Review*: 85 (1) , 195-225.
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. and Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1-3) , 3-73.

- Hamilton, J. , Ruddock, C. , Stockes, D. and Taylor, S. (2005). Audit partner rotation earnings quality and earnings conservatism. *Working paper*: University of New South Wales.
- Hasas Yeganeh, Y. (2016). The Impact of corporate governance mechanisms on audit quality and real earnings management. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (4) , 23-45 (in Persian).
- Hope, O. -K. , Thomas, W. B. and Vyas, D. (2013). financial reporting quality in U. S. private and publice firms. *The Accounting review*, 88 (5) ,1715-1742.
- Jaggi, B. , Leung, S. and Gul, F.) 2009 (. Family control, board independence and earnings management: Evidence based on Hong Kong firms. *Journal of Accounting and Public Policy*: 28 (4) , 281–300.
- Jones, J.) 1991 (. Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29 (2) , 193–228.
- Lawrence, A. , Minutti-Meza, M. and Zhang, P. (2011). Can Big 4 versus non-Big 4 differences in audit quality proxies be attributed to client characteristics? *Accounting Review*, 86 (1) , 259-286.
- Kallapur, S. , Sankaraguruswamy, S. and Zang, Y.) 2010 (. Audit market concentration and audit quality. Working Paper, Indian School of Business, National University of Singapore and Singapore Management University.
- Karampinis, N. I. and Hevas, D. L (2011). Mandating IFRS in an unfavourable environment: The Greek experience. *The International Journal of Accounting*, 46 (3) , 304-332.
- Kothari, S. P. , Leone, A. J. and Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1) , 163-197.
- Mirshekary, S. and Saudagaran, S. (2005). Perceptions and characteristics of financial statement users in developing countries: evidence from Iran. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*: 14 (1) 33-54.
- MohammadRezaei, F. , Mohd-Saleh, N. , Jaffar, R. and Sabri, M. S. (2016). The effects of audit market liberalisation and auditor type on audit opinions: The Iranian experience. *International Journal of Auditing*: 20 (1). 87-100.
- MohammadRezaei, F. , Mohd-Saleh, N. , and Banimahd, B. ,) 2012 (. Political economy of corporate governance: The case of Iran, *International Journal of Business, Governance and Ethics*: 7 (4) , 301–330.
- MohammadRezaei, F. and Mohd-Saleh, N.) 2016). Audit report lag: the role of auditor type and increased competition in the audit market, *Accounting and Finance*: 58 (3). 885-920

- MohammadRezaei, F. (2017). *Research method in accounting*, Tehran, Termeh (in Perssian).
- MohammadReaei, F. and MohammadRezaei, M. (2015). Audit firm ranking and audit quality, *Managerial Accounting and Auditing Research*, 4 (4) , 1-13 (in Perssian).
- Nikoomaram, H. , Noravesh, I. and Mehrazin, A. (2009). The evaluation of accrual models in detecting earnings management, *Journal of Management Research*, 20 (82) , 1-20 (in Perssian).
- Noronha, C. , Zeng, Y. and Vinten, G. (2008). Earnings management in China: an exploratory study. *Managerial Auditing Journal*, 23 (4) , 367-385.
- Poorheydari, O. , BorhaniNezhad, S. and MohammadRezae Khani, V. (2015). The effect of audit quality on timeliness of audit report in firms listed on Tehran Stock Exchange. *Audit Science: 14 (58) , 85-104* (in Perssian).
- Rahmani, A. and Bashiri Manesh, N. (2013). Detecting power of earnings management models. *Accounting Research: 4 (19) , 53-73* (in Perssian).
- Vigneron, L. and Mard, Y. (2016). Earnings management across publicly traded and privately held French SMEs, *International Journal of Entrepreneurship and Small Business: 29 (3) , 416-440*.
- Zeghal, D. , Chtourou, S. and Sellami, Y. M. , (2011). An analysis of the effect of mandatory adoption of IAS/IFRS on earnings management. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation: 20 (2) , 61-72*.

Archive

Earnings Management in Listed Firms and Unlisted Subsidiaries

Fakhroddin Mohammad Rezaei,¹ Seydeh Leila Ahmadi^{2*}

Received : 2017/08/15

Approved: 2017/12/11

Abstract

Prior studies reveal that earnings manipulation by managers is one of the main concerns of investors in Tehran Stock Exchange (TSE). Extant theoretical and empirical evidence indicate that incentives of managers in relation to earnings manipulation can be different in a listed firm compared to an unlisted firm. There are two conflicting views in this area. "Demand" view suggests that earnings quality of listed firms is superior; however, the prediction of "opportunistic behaviour" view goes against it. Since there is no sufficient evidence in this area and Codal website provides disclosures of annual reports of unlisted firms as subsidiaries of firms listed in TSE, this study examines the possible differences of earnings management of listed firms and their unlisted subsidiaries over the period from 2011 to 2015. Results indicate that there is no significant relation between firm types (unlisted vs. listed) and both earning management through absolute discretionary accruals (based on three different model) and upward earnings management. Findings show that since the annual reports of unlisted firms like listed firms in TSE have been disclosed to the public, the incentives of managers and auditors of unlisted firms are similar to those of listed firms.

Keywords: Earnings management, listed firms in TSE and unlisted firms.

Jel clacification: M41, C32

DOI: 10.22051/jera.2018.16827.1750

Assistant Professor of Accounting, Faculty of Finance, Kharazmi University

Correspondence author, (f.mrezaei@khu.ac.ir)

MSc. of Accounting, Kharazmi university, Tehran, Iran, (Leila.ahmadi79@yahoo.com)